

# انقلاب سوسیالیستی

## پاسخ جنگ امپریالیستی

قرائن نشان می دهند که آرایش نیروهای بین المللی با وزن مخصوص اقتصادی کشورهای ریز و درشت سرمایه داری در دوران معاصر هماهنگی ندارد. نظم مستقر، تروریستی — وال استریتی، به آخر خط رسیده، دیگر نمی تواند خود را بازآفرینی کند، پا در هوا، گرفتار تمرکز عمودی ثروت و توسعه عرضی فقر در بستر مالکیت خصوصی، رشد معکوس تولید و مصرف... در آستانه فروپاشی است.

نشان می دهند که چطور استمرار تسلط انحصاری غرب بر تولید و بازرگانی جهان، بدلیل یک جهش اقتصادی « ناگهانی »! بانی تغییر مرکز ثقل سنتی تمرکز سرمایه، باعث ظهور مراکز صنعتی و بازرگانی بزرگ در یک سلسله از کشورهای پیرامونی ( قانون رشد ناموزون سرمایه )، برآمد مدعیان جدید، حضور نسبتاً نیرومند رقیبان تازه نفس در بازار بین المللی مختل شده، بدون استعمال قهر: ماجراجویی، خشونت و جنگ، بدون اشاعه بیگانه ستیزی، تهدید و تحریم و تجاوز، لشگرکشی برای سرکوب خلق ها، اختناق ملت ها، اشغال نویتی کشورهای « مزاحم »! بدون ویرانگری، کشتار جمعی، مصادره دارایی و اموال دیگران... مقدور نیست.

سخن برسر نوعی ماجراجویی دنباله دار، ملیتاریسم کور و احمقانه و افسار گسیخته، تولید برای تعرض، بخاطر ویرانگری... است. اقتصاد سیاسی در خدمت اهداف نظامی. جنگ برای تملک بر منابع در همه کشورها، تصاحب مواد خام و انرژی در تمام مناطق، برای کنترل انحصاری تولید و بازرگانی جهان از راه زور، با سلاح های عجیب و غریب، برای سود و سود حداکثر بهر قیمتی، با حذف فیزیکی تمام مدعیان بنام « دمکراسی »! نابودی خلق ها و ملت ها بنام « آزادی و حقوق بشر »! یعنی فاشیسم در لباسی دیگر، نازیسم با کلاه گشادتر...

داد و قال ارزان « اهل فن »! مداحان بیشرم استراتژی ویرانگر سازمان تروریستی ناتو برسر رویدادهای جاری در خاور نزدیک و میانه... فقط برای خالی نبودن عریضه است. از شما چه پنهان، سوای عذر موجه خواجه شیراز، همه می بینند که که دنیای « آزاد »! اصلا بسامان نیست. میراث خواران استعمار کهن، گرفتار عدم تحرک اقتصادی مزمن، بحران همه جانبه و ساختاری، پولی و مالی و صنعتی و تجاری، حقوقی و ایدولوژیک، هرچه زور می زنند، نمی توانند، حداقل مثل دوران رقابت اردوگاهی، اشتغال ایجاد کنند، نمی دانند چطور مبادله کار و سرمایه برای ایجاد اضافه ارزش را سازمان دهند، بازآفرینی خویشتن خویش را تضمین نمایند.

دیری است که رژیم کارمزدی با مولفه های ساختاری خود در تناقضی آشکار قرار گرفته، سرمایه داری خود خوری میکند، احتیاج به یک خانه تکانی انقلابی و تمام عیار دارد. دولتمداری بورژوازی بوی مرگ می دهد. دمکراسی توطئه و حقه بازی، سوداگری پول، دلالی و کلاشی و کارچاق کنی... بسختی نفس می کشد — طبقه کارگر را می طلبد، پرولتاریای صنعتی و کمونیسم را فریاد می کند...

**رضا خسروی**